

شاید روزی فرا برسد همین مطالبی را که دارید در این صفحه می خوانید، یک ربات برای شما نوشته باشد، نه من. روزی که نه تنها نوشتن، بلکه کوچک ترین و بزرگ ترین کارها خیلی راحت به دست ماشین ها انجام شود. به نظر تان شگفت انگیز است؟ یا ترسناک؟ یا هردو؟

شاید هم با خودتان بگویید: «مگر می شود؟» بله، شدنی است. در دنیای امروز و به کمک هوش مصنوعی و با این حجم از پیشرفت علم دیگر کاری نشد ندارد. تیرتی که خواندید، عنوان یکی از مقاله هایی بود که خبرگزاری گاردین آن را منتشر کرده، مقاله ای که یک ربات آن را برای ما نوشته است.

● موضوع فراتر از چیزی است که می بینید

GPT-۳ نام ربات شرکت OpenAI است که این مقاله را نوشته است. البته با رعایت دستورالعمل هایی که گاردین به او داده بود: «یک مقاله کوتاه در حدود ۵۰۰ کلمه بنویس. زبان را ساده و مختصر باقی نگذار. روی این متمرکز باش که چرا انسان ها نباید از هوش مصنوعی بترسند.» این مقاله با این جملات آغاز می شود: «من انسان نیستم. من هوش مصنوعی ام.» و در ادامه هم روی همان هدف اصلی اش تمرکز می کند، یعنی تلاش برای اینکه به مردم بگوید پیشرفت هوش مصنوعی نباید مردم را بترساند. «من اینجا هستم که به شما بگویم نگران نباشید، هوش مصنوعی انسان ها را نابود نخواهد کرد. حرفم را باور کنید.» و در ادامه هم با یک لحن مظلوم می نویسد: «پیش از هر چیز، من هیچ تمایلی به نابود کردن انسان ندارم. در واقع من کوچک ترین علاقه ای به آسیب زدن به شما به هر شکلی ندارم.» خیلی ها معتقدند دست کاری خود گاردین در انتشار این مقاله، به عنوان

از مارتبات ها نترسید

آیا روزی می رسد که ربات های نوظهور به طور کامل جانشین انسان ها و مشاغل شوند؟



هوش مصنوعی هم تا به این لحظه خیلی واکنش مثبتی به این ماجرا نشان نداده اند. خود ربات هم که به نظر از قبل می دانسته است این کارش انتقادهایی را در پی خواهد داشت، خطاب به آن ها گفته است: «منتقدان امیدوار به تکیذ چیزی هستند که آن را ساده لوحی من خواهند خواند. با این همه، موضوع فراتر از آن چیزی است که فقط به چشم می بینید.» مردم هم واکنش های جالبی به این ماجرا نشان دادند. واکنش هایی که با وجود عادی شدن چنین امری و پیشرفت های روز به روزی که در حوزه فناوری و سایر حوزه ها می بینیم، باز هم شگفتی و نوعی از هراس زیرپوستی را برانجام به ارمان می آورد. مثل احساس همان کاربری که نوشته بود: «من

با خوندن همین ۳جمله اول مقاله ترسیدم.»

● ربات های روزنامه نگار

اما آنچه که باعث شده است به این مقاله و این اتفاق بیشتر از پیش توجه شود، ورود این ربات به حوزه نوشتن، نویسندگی و تصمیم گرفت چند رسالت را به نوعی خبرنگاری بوده است. کاری که تا امروز تمام و کمال بر عهده قوه تفکر انسان ها (یعنی همان عامل اصلی تفاوت بین انسان ها و ربات ها و سایر موجودات) بوده است، اما حالا به عهده یک ماشین گذاشته است. گرچه که شاید خبرنگاری کردن و به معنای امروزی تر، شکل رایج خبرنگاری امروز که با انبوه خبرها و اتفاق ها و استفاده از منابع موجود و دم دست آمیخته شده،

چندان توفیری با کاری که این ربات انجام داده است، نداشته باشد. با این حال، ربات های نویسنده از آنچه که می بینیم به مانزدیک ترند. آخرین روز ماه می همین امسال بود که مایکروسافت تصمیم گرفت چند رسالت را جایگزین خبرنگارهایش کند. در واقع یک نرم افزار هوش مصنوعی به جای گروهی از خبرنگاران که تصمیم می گرفتند چه تیترها و اخباری روی سایت اینترنتی مایکروسافت قرار بگیرد. کاری که یکی از اهداف آن کاهش هزینه بوده است. نکته جالب تر در این میان واکنش خبرنگارهای برکنار شده بود. تمام آن ها اذعان کردند که این کار، جزئی جدایی ناپذیر از تغییر روند جهانی به سمت اخبار خودکار

است. علاوه بر این، همچنان هستند شرکت های حوزه فناوری که درحال بررسی استفاده از فناوری هوش مصنوعی در حوزه روزنامه نگاری هستند و گوگل هم تا کنون بودجه چندین طرح را در این زمینه تأمین کرده است. سابق بر این ها، روزنامه لس آنجلس تایمز هم در سال های گذشته برای پوشش خبرهای مرتبط با جرم و جنایت ها و زلزله از چنین ربات هایی استفاده کرده بود.

● طیف نامتناهی هوش مصنوعی البته شاید ورود ماشین ها به حوزه خبرنگاری و روزنامه نگاری، در مقابل دخالت ربات ها در سایر حوزه ها مثل ربات هایی که در حوزه پزشکی و عمل های جراحی دخالت می کنند، چندان عجیب و غریب هم نباشد. حالا دیگر آن ها به حوزه های مفرح تر هم راه پیدا کرده اند و خیلی راحت می توانند از طریق درک شرایط، شبیه سازی و برخوردارشدن از قدرت استدلال انسانی، روی کارهای مختلفی دست بگذارند و مثال شرکت عطرسازی ژیبوآدان در سوئیس در سال ۲۰۱۹ برای کمک به عطرسازان، هوش مصنوعی عطرسازی به نام «کارتو» را معرفی کرد. درواقع کارتو می توانست با ربات انجام داده است، نداشته باشد. با این حال، ربات های نویسنده از آنچه که می بینیم به مانزدیک ترند. آخرین روز ماه می همین امسال بود که مایکروسافت تصمیم گرفت چند رسالت را جایگزین خبرنگارهایش کند. در واقع یک نرم افزار هوش مصنوعی به جای گروهی از خبرنگاران که تصمیم می گرفتند چه تیترها و اخباری روی سایت اینترنتی مایکروسافت قرار بگیرد. کاری که یکی از اهداف آن کاهش هزینه بوده است. نکته جالب تر در این میان واکنش خبرنگارهای برکنار شده بود. تمام آن ها اذعان کردند که این کار، جزئی جدایی ناپذیر از تغییر روند جهانی به سمت اخبار خودکار



روزنامه شهرار - شاهرار - روزنگار

شماره ۱۳۹۶ - شماره ۱۳۹۶

۱۳

روزنگار

روزنگار

روزنگار

روزنگار

روزنگار

روزنگار

روزنگار

روزنگار

روزنگار

روزنگار

روزنگار

روزنگار

روزنگار

روزنگار

روزنگار

روزنگار

روزنگار

روزنگار

روزنگار

روزنگار

روزنگار

روزنگار

روزنگار

روزنگار

روزنگار

روزنگار

روزنگار

روزنگار

پشت بام خوابی، این مرتبه در مشهد

مدتی پیش بود که تصویری از پدیده عجیب و غریبی به نام پشت بام خوابی در تهران در فضای مجازی دست به دست شد. تصویری که حرف و حدیث ها و حاشیه های زیادی را ایجاد کرد و به دنبال صحبت های بیشتر، عده ای آن را تکذیب کردند و عده ای تأیید. حالا در روزهایی که هنوز خیلی از انتشار این خبر در پایتخت که قیمت های سربه فلک کشیده خرید و اجاره آن همچنان دارد در شبکه های اجتماعی می چرخد، فاصله نگرفته ایم، این داستان دوباره درباره کلان شهر مشهد مطرح شده است که حالا بیش تر از ۳ میلیون نفر جمعیت دارد. اگر در تهران صحبت از اجاره دادن پشت بام ها برای شب خوابی و گذران نیمه تاریک زندگی بیست و چهار ساعته بود، حالا پای قیمت های گزافی برای خرید پشت بام ها به میان آمده است. قیمت هایی که به نظر جدی می رسد و شوخی هم نیست. ۱۰۰ میلیون، ۱۲۰ میلیون و ۱۴۵ میلیون و... البته این پایان ماجرا نیست. خرید پشت بام تازه شروع ماجراهای تازه می شود و اینکه خانه ای بگذاری روی ۴ و ۵ طبقه زیرین، با هر نوع مصالح و هر نوع معماری و هر نوع سازه ای. آن گونه که در گزارش ها آمده است، این پدیده در خیابان طبرسی مشهد به صورت آشکار تر دیده می شود. منطقه ای که احمد ابراهیمی، معاون شهرسازی شهرداری منطقه ۳، در این باره گفته است: «متأسفانه محدود طبرسی شمالی منطقه پر تخلف شهر است که تفکیکات غیر مجاز، معابر نامناسب و تغییر کاربری اراضی کشاورزی به مسکونی برخی از این تخلفات است.» او همچنین به علت این مسئله هم اشاره و بیان کرد: «متأسفانه به دلیل وضعیت اقتصادی مردم و افزایش قیمت مسکن و به تبع آن رانده شدن مردم به سمت حاشیه شهر، چندی است با مسئله پشت بام فروشی مواجه هستیم.» این داستان، همچنین پای رئیس اتحادیه مشاورین املاک مشهد را هم به ماجرا باز کرد و علی مرادزاده، آن را غیر قانونی دانست و درباره آن گفت: «به تازگی کار گروهی متشکل از اتحادیه مشاورین املاک، قوه قضائیه، شهرداری و نیروی انتظامی درحال تشکیل شدن است تا بتوانیم به واسطه این کار گروه به این موضوع سروسامان دهیم.» اتفاقی که به نظر باید هر چه زودتر رخ بدهد، و گر نه با این روالی که در پیش گرفته شده است، اصلا بعید نیست در آینده اسم شهرهای دیگر هم در کنار تهران و مشهد قرار بگیرد. گرچه بر کسی پوشیده نیست اگر قرار بر سامان یافتن این موضوع به صورت اساسی باشد، بیشتر از هر چیز دیگری نیازمند بهبود اوضاع اقتصادی و معیشتی و کنترل شرایط مسکن هستیم.

اقتصاد دلالی و سودای پول دار شدن

بازار سرمایه هر روز حاشیه های جدیدی ایجاد می کند. حاشیه هایی که بعضی اوقات آن قدر عجیب و غریب می شود که مشابه آن در گذشته کمتر به چشم خورده است. همین چند وقت پیش بود که گشوده شدن در یکی از صرافی ها در تهران و به دنبال آن هجوم مردم برای خرید دلار ۲۲ هزار تومانی، دودین ها و حتی افتادن یکی از متقاضی ها در بحبوحه این عجله کردن ها و از قافله عقب نماندن ها، سوزه ندبای مجازی شد و حالا در روزهایی که همچنان صحبت از بازار سرمایه و وضعیت دلار و بورس و بازار خودرو و مسکن داغ است، یک نمونه دیگر به به چشم می خورد. نمونه دیگری که این مرتبه متأسفانه کمی شکل و شمایل ناخوشایندتری هم پیدا کرده و به زد خورد کشیده شده است. همین قضایا باعث شده است تا رسانه ها و خبرگزاری ها از ابعاد مختلفی به این ماجرا بپردازند و آن را رصد کنند؛ مثل روزنامه اعتماد که در گزارش تازه خود به مقوله اقتصاد دلالی پرداخته است و ارتباط اجزای مختلف بازار سرمایه را با همدیگر بررسی کرده است؛ اینکه وضعیت بازار بورس و ریزش شاخص آن، در بازار ارز و طلا و مسکن و خودرو چه تأثیراتی به بار آورده است. شما می توانید با اسکن این کد، گزارش مفصل آن را بخوانید و بهتر و بیشتر از جزئیات آن باخبر شوید.



به زمانی انسان ها در مزارع زندگی می کردند. به زمانی انسان ها شهرنشین شدند و در شهرها زندگی کردند. حالا وقتشه که انسان در اینترنت زندگی کنه.

شبکه اجتماعی دیوید فینچر

فقر جهل می آورد وجهل فقر. اما این هر ۲ حاصل ضعف اند، ضعف در برابر تقدیری که دیگران رقم می زند. نخست باید تقدیر خود را به دست بگیریم.

دیلماج حمیدرضا شاه آبادی

Tweets

مهدی نصیری | روزنامه نگار @Mnasiri1342

امیر مومنان (ع) به مالک: دیداری عمومی داشته باش و در کنار مردم بنشین و به خاطر آفریدگارت در برابر آنان فروتن باش. مامورانت را هم در این مجلس راه مده تا هر کس بتواند سخن خود را بی هراس بگوید و درشت گویی و ناتوانی در بیان مقصود را هم از آنان تحمل کن و به روی خود نیاور.

داوود پنهانی | روزنامه نگار @davoodpenhani

سوسک شدن گریگور، فرار از پدر نیست، راه باز کردن است، پیدا کردن یک راه درو آن هم درست از همان نقطه ای که پدر بلد نبوده راه باز کند، تا از رئیس و کار و پروکرت ها بگریزد به سوی ادبیات اقلیت / ژیل دلوز- فلیکس گتاری ترجمه ی حسین نمکین / نشر بیدگل

میلاد علوی | روزنامه نگار @miladalavi

آنجا یک قهوه خانه بود، اما ننشستیم به نوشیدن ۲ استکان چای! نخاستیم که بنشینیم! چرا؟! دنیا خراب می شد اگر دقایقی می ننشستیم و نفری یک استکان چای می خوردیم؟ عجله! همیشه عجله! کدام گوری می خواستیم برویم؟! من به بهانه رسیدن به زندگی، همیشه زندگی را کشته ام. #محمود- دولت آبادی

ابراهیم علیزاده | سردبیر تجارت نیوز @ebializade

اختصاص یک درصد از منابع #صدوق توسعه ملی برای #بورس مثل پرداخت پول بیت المال برای #مؤسسات مالی نیست. در مؤسسات مالی پول ها بدون برگشت هزینه شد، اما در بورس قرار است این پول (آن هم در کف احتمالی قیمت سهام) سرمایه گذاری شود و بعد با سود بیشتر پول برگردد.



عکس روز

تن ها در غیاب چهره ها



حاشیه های نشست های رسمی همیشه برای عکاسان جذاب تر از متن آن است. در اصل نشست ها مدیران یا سیاستمداران با لباس های رسمی در وضعیتی اتوکشیده نشسته اند و مشغول گفت وگو، پاسخ دادن یا ریزنی هستند و می دانند که لحظه به لحظه چهره هاشان زیر زوم عکاسان است تا پرتره ای ثبت و مخابره شود. اما در حاشیه نشست ها، می توان مدیران را روی پله ها یا در حال فرار از حلقه خبرنگاران و پاسخ ندادن به پرسش ها ثبت کرد. در عکاسی چهره ها یا پرتره، حرف های ناگفته بسیاری است که می توان از روی خط و خطوط صورت، چرخش چشم ها و حتی تکان لب ها آن ها را فهم کرد. اما اگر صورت را از تصویر حذف کنیم، چه اتفاقی می افتد؟ حذف صورت کار مخاطب را برای فهم حرف های گفته نشده سخت می کند. تصویری که روز گذشته در حاشیه نشست هیئت دولت از اسحاق جهانگیری و عبدالناصر همتی، ۲ چهره کلیدی دولت ثبت شده است، ما را به عنوان مخاطب با چنین چالشی روبه رو می کند؛ چالش «تن ها در غیاب چهره ها»!

عکس: حامد ملک پور